



## مکاتب فکری حاکم بر آموزش در ایران معاصر و تأثیر آن بر خلاقیت

کیمیالسادات طبیب‌زاده<sup>۱\*</sup>، علیرضا غیورفر<sup>۲</sup>

کد مقاله: ۸۱۷۵۱

### چکیده

هر انسانی از ابتدای زندگی خویش در حال آموزش است. بخشی از این آموزش به واسطه نظام آموزشی حاکم بر جامعه، اکتساب یا رشد می‌یابد که در ایران به ترتیب شامل: مهد کودک‌ها و پیش‌دبستانی‌ها، ابتدایی‌ها، دبیرستان‌های متوسطه اول و متوسطه دوم و در نهایت دانشگاه‌ها می‌باشد. اینکه بهزیستی و آموزش و پرورش چه تدابیری برای شیوه آموزش محصلین در نظر گرفته، بسیار حائز اهمیت است؛ زیرا دانش‌آموزان مانند بذر گل‌های یک باغ هستند که اگر به درستی به آن‌ها رسیدگی نشود، حاصل، باغ گلی پژمرده است. باید توجه نمود که این کودکان امروز هستند که جامعه فردا را می‌سازند؛ لذا باید آن‌ها را از پایه به درستی تربیت نمود. پژوهش پیش رو با هدف بررسی آموزش در ایران معاصر و تأثیر آن بر خلاقیت انجام شده است. روش تحقیق پژوهش، از نوع کاربردی و کیفی است که به روش توصیفی-تحلیلی صورت گرفته است. روش گردآوری اطلاعات به صورت مطالعات کتابخانه‌ای و ابزار گردآوری اطلاعات شامل مدارک، مقالات و کتب مرتبط با حیطه موضوع مورد مطالعه و همچنین مصاحبه بوده است. ابتدا مطالعات و نظریات پیشین، مورد مطالعه قرار گرفته است و پس از آن به تحلیل آموزش در ایران معاصر پرداخته شده است تا جایگاه توجه به موضوع خلاقیت و درس‌های مرتبط با آن که سبب ایجاد اثر هنری و پرورش هنرمند می‌شود، بررسی شود. نتایج نشان داده‌اند که فلسفه حاکم بر آموزش در ایران معاصر، در برخی از دوره‌های تحصیلی تنها پراگماتیسم یا عمل‌گرایی و در برخی دیگر، تنها ایده‌آلیسم یا آرمان‌گرایی است و به منظور آموزش صحیح به فرد باید به هر دو مکتب فکری توجه گردد.

واژگان کلیدی: مکتب فکری، آموزش، برنامه آموزشی، خلاقیت، پراگماتیسم، ایده‌آلیسم.

۱- دانشجوی دکتری معماری، گروه معماری، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران، (نویسنده مسئول)  
kimia.tabibzadeh@yahoo.com

۲- استادیار، عضو هیئت علمی گروه معماری، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران

با ورود به هزاره سوم، نظام‌های آموزشی نقش حائز اهمیتی را در تربیت و پرورش نیروی انسانی و رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشورها ایفاء می‌نمایند. بر این اساس، یکی از راه‌هایی که می‌توان به وسیله آن به تحقق توسعه امیدوار بود، برنامه‌ریزی‌های آموزشی صحیح و اصولی منابع و به ویژه منابع انسانی هر کشور و استفاده بهینه از آن‌ها می‌باشد (چرایین و دیهیم، ۱۳۹۵). کودکان از ابتدای زندگی خویش در حال آموزش هستند. مهد کودک‌ها و پیش‌دستانی‌ها، ابتدایی‌ها، دبیرستان‌های متوسطه اول و متوسطه دوم و در نهایت دانشگاه، به ترتیب فضاهای آموزشی آن‌ها هستند. اینکه بهزیستی و آموزش و پرورش چه تدابیری برای شیوه آموزش افراد در نظر گرفته، بسیار حائز اهمیت است؛ زیرا دانش‌آموزان مانند بذر گل‌های یک باغ هستند که اگر به آن‌ها به درستی رسیدگی نشود، حاصل، باغ گلی پژمرده است. مقاله پیش رو با هدف بررسی آموزش در ایران معاصر و تحلیل آن بر اساس مکاتب فکری حاکم بر آموزش و پرورش و پس از آن، مشخص نمودن تأثیر این برنامه‌های آموزشی بر خلاقیت انجام شده است. این مقاله در صدد پاسخ‌گویی به پرسش‌های زیر می‌باشد: ۱- چه فلسفه‌هایی در تدوین برنامه آموزشی محصلان از مهد کودک تا دانشگاه در ایران، حاکم است؟ ۲- این مکاتب‌های فکری حاکم بر برنامه‌های آموزشی در چه دوره‌هایی، در جهت رشد و پرورش خلاقیت محصلان است؟

## ۲- پیشینه پژوهش

سفارحیدری و حسین نژاد (۱۳۹۳) با روش تحلیلی و انتقادی به بررسی امکان و یا امتناع تحقق عدالت آموزشی در سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش ایران پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که تحقق عدالت آموزشی مستلزم وجود رویکرد معنوی و تکثرگرا به انسان و جامعه می‌باشد. ارجمند قجور و ارجمندی (۱۳۹۷) با روش پژوهش پیش‌آزمون - پس آزمون با گروه کنترل و اجرای آزمون خلاقیت تورنس، ۵۰ نفر از دانش‌آموزان ابتدایی مناطق روستایی شهرستان ارومیه در سال تحصیلی ۱۳۹۳-۱۳۹۴ را مورد آزمون قرار داده‌اند. نتایج حاکی از آن است که گنجانیدن برنامه‌های پرورش خلاقیت در برنامه درسی هنر بر میزان خلاقیت دانش‌آموزان اثرگذار است. گودرزی (۱۳۹۲) بیان کرده است که در سند چشم‌انداز آموزش و پرورش توجه خاصی به تربیت بدنی شده است و از آن به عنوان وسیله‌ای برای تعلیم و تربیت دانش‌آموزان استفاده شده است که اگر به شیوه صحیح مورد توجه و استفاده قرار گیرد، ثمرات مطلوبی در پی خواهد داشت.

## ۳- روش پژوهش

روش تحقیق این پژوهش، از نوع کاربردی و کیفی است که به روش توصیفی- تحلیلی صورت گرفته است. روش گردآوری اطلاعات به صورت مطالعات کتابخانه‌ای و ابزار گردآوری اطلاعات شامل مدارک، مقالات و کتب مرتبط با حیطه موضوع مورد مطالعه بوده است. ابتدا مطالعات و نظریات پیشین، مورد مطالعه قرار گرفته است و پس از آن به تحلیل روش و برنامه آموزشی فرد از مهدکودک تا دانشگاه در ایران پرداخته شده است. در انتها سعی شده است تا با انطباق این برنامه‌های آموزشی با مکاتب‌های فکری آموزش و پرورش، روند فلسفه حاکم بر آموزش و برنامه آموزشی در ایران استخراج گردد و جایگاه توجه به موضوع خلاقیت و درس‌های مرتبط با آن که سبب ایجاد اثر هنری و پرورش هنرمند می‌شود، بررسی شود.

## ۴- مبانی و چارچوب نظری

### ۴-۱- هنر و خلاقیت

هنر، واژه کهن اوستایی می‌باشد. از «هو» به معنای خوب و «نر»، به معنای مردانگی و توانایی پیوند یافته است. هونر به معنای «خوب توانی» به کار رفته است. در زبان یونانی واژه‌های برایش نیست و در زبان فرنگی، «آرت» به معنای صنعت و در برخی مواقع، هنر تازه است و برای معنی هنر، رسا نیست. در زبان عربی نیز، واژه‌های برایش نیست و برای هنر، واژه «الفن» را از زبان فارسی گرفته‌اند و آن را «الفنون الجمیله» گویند. در زبان اروپایی، منظور از «آر» یا «آرت»، بیش‌تر هنر نقاشی است و بعد آن را به پیکرسازی و شعر و موسیقی نسبت داده‌اند و هنر را در هفت رشته: نقاشی، موسیقی، رقص، نمایش، پیکرتراشی و ساختمان، شعر و خطابه دانسته‌اند (یکتایی، ۱۳۵۰). هنر در جهت معنابخشی به زندگی و فعل انسانی و در جهت تجلی کالبدی و عینی بخشیدن به باورها و تمایلات انسانی است که شکل می‌گیرد. هنر می‌تواند به آرزوهای انسان جامه عمل بپوشاند و می‌تواند زبان انسان باشد. انسان چون خلیفه الله است، دارای مرتبه‌ای از خلاقیت است. خلاقیت به معنای چیز تازه‌ای خلق کردن است. ابداع و نوجویی به دو دیدگاه اصلی: ۱- حیات‌گرایی (باور هنرمند به اصالت حیات و اصولی جاوید است که برای درک هستی و حیات، ایفاء نقش می‌کند) و ۲- مرگ‌گرایی (باور به پایان بودن مرگ و اعتقاد به در تغییر بودن مداوم)، وابسته است. مرگ‌گرایی نیز، خود دارای دو دیدگاه

است: ۱- باور به تغییر از حالتی به حالت دیگر و ۲- پایان پذیر بودن نابودی و فنا. همه این دیدگاه‌ها، می‌توانند باعث خلق چیز تازه و نو شوند (نقی‌زاده، ۱۳۸۲).

گیزین<sup>۱</sup> (۱۹۵۴)، خلاقیت را ارائه کیفیت‌های جدید از مفاهیم و معانی و مدنیک<sup>۲</sup> (۱۹۶۲)، خلاقیت را شکل دادن به عناصر متداعی به صورت ترکیبات نو که با الزامات خاصی مطابق یا به شکلی مفید است، بیان کرده است. تایلور<sup>۳</sup> (۱۹۸۸)، خلاقیت را شکل دادن تجربه‌ها در سازمان‌بندی‌های نو می‌داند (حسینی، ۱۳۹۴: ۲۳). بروز خلاقیت به منظور شکوفایی استعداد‌های فردی، هدف بسیاری از جوامع انسانی است. امروزه شرایط حاکم بر جهان، انسان‌ها را به خودشکوفایی، خلاقیت و کشف استعدادها تشویق می‌کند. از طرفی، خلاقیت با رشد جسمی کودک، تقلیل می‌یابد؛ اما اگر هنرمند بزرگسال بتواند از تخیل و خلاقیت پرشور کودک بهره‌مند شده و با توانمندی‌های اجرایی بالغ درون و مصلحت‌اندیشی‌های والد درون بیامیزد، می‌تواند به شکوفایی در جریان خلق و آفرینش، ناقل آید. بسیاری از نظریه‌پردازان اعتقاد دارند که خلاقیت، امری معنوی و باطنی است که به این موضوع در آیات قرآنی نیز اشاره شده است (دهقانپور و اسلامی، ۱۳۸۸). هنر، پرورش‌دهنده خلاقیت است. پرورش و افزایش تجربه‌های حسی (بینایی، لامسه و غیره) سبب بروز آن می‌گردد. هرچه این امکانات افزایش یابد، قدرت تخیل نیز ارتقاء می‌یابد (تسلیمی، ۱۳۹۰). در طول نیم قرن گذشته، برنامه‌های آموزشی زیادی در نظر گرفته شده که به منظور توسعه ظرفیت‌های خلاقیت پیشنهاد شده‌اند (Scott et al, 2004). هنر، موسیقی، رقص/ حرکت، نمایش (تئاتر) و شعر یا نوشته خلاق، بر میزان خلاقیت اشخاص تأثیرگذار هستند (Chibbaro & Heather, 2011). بازی و قصه‌گویی، روشی فعال برای رشد و پرورش قوه خلاقیت و افزایش سطح تفکر است (Pellegrini et al, 2004).

نوری (۱۳۸۲) شکل‌گیری یک اثر هنری را به سه مرحله اصلی تقسیم کرده است: الف) انفعال: انفعال هنرمند، اولین مرحله خلق یک اثر هنری است. در این مرحله، در لحظه‌ای خاص، امری در ذهن هنرمند جرقه می‌زند و سوژه‌ای خلق می‌شود. انفعال یا درک یا دریافت هنری، مهم‌ترین بخش ایجاد یک اثر هنری است که هرچه ذهن هنرمند توانمندتر باشد، دید هنری‌اش نیز قوی‌تر خواهد بود. هرچه تفکری قوی‌تر داشته باشد، شاهکارش ماندگارتر خواهد شد. مهم‌ترین منابع تغذیه ذهن هنرمند شامل: ۱- تجربه زندگی، ۲- مشاهده مستقیم و ۳- میدان مطالعه، می‌باشد. در دسترس‌ترین و مهم‌ترین عامل تقویت فکر و اندیشه، میزان لمس کردن اطراف و خوب دیدن جهان می‌باشد که خلق اثر را به واقعیت نزدیک‌تر خواهد کرد (هنرمندانی که جنگ را خودشان تجربه کرده‌اند، می‌توانند به ایجاد آثار هنری اعم از فیلم و داستان و غیره بپردازند). این نکته مهم است که زندگی، بزرگ‌ترین شکارگاه سوژه است و یک هنرمند سعی می‌کند همیشه به دنبال گسترش تجربه زندگی باشد. مشاهده و لمس دنیای اطراف مانند طبیعت بکر، انسان‌های متفاوت، بیماری‌های جسمی و روانی، دیدن حوادث طبیعی و غیرطبیعی و آثار هنری دیگر هنرمندان، قوه تخیل را ارتقاء می‌بخشد و هنرمند را توانمندتر می‌کند. خلق اثر هنری، نیازمند مطالعه مستمر و جدی است. مطالعه آثار ادبی، فلسفی، علمی، سیاسی، فرهنگی، مطالعه زندگی‌نامه‌ها و سفرنامه‌ها و خاطرات، خواندن گزارش و خبرها، تاریخ حکایات، افسانه‌ها و اساطیر، مطبوعات و غیره، شاید مهم‌ترین منبع پس از تجربه زندگی، مطالعه باشد. این مطالعه است که اهمیت منابع دیگر را معنا می‌بخشد. ب) فعالیت: دومین مرحله از ایجاد اثر هنری، کار کردن بر روی یک سوژه است. این مرحله، مرحله عرق‌ریزان روح است. تفاوت یک هنرمند واقعی با فردی که تنها استعداد هنری دارد، در این مرحله است. هنرمند واقعی برخلاف شخصی که استعداد هنری دارد و دست به عمل نزده، با زحمت بسیار زیاد، کار خلق اثر را به انجام می‌رساند. او سوژه را مدت‌ها پرورش می‌دهد تا آمادگی پیدا کند و سپس آن را پرداخت کند و دست به تولید می‌زند. پ) عرضه: در این مرحله، اثر هنری در جمع هنرمندان عرضه می‌شود تا، محک خورده و مورد نقد و تحلیل قرار گیرد. از طرف دیگر، هنرمند با ارائه اثرش حرفش را منتقل نموده، بار سنگینی از روی دوشش برداشته می‌شود، اصلاحاتش را انجام می‌دهد و دوباره منتظر جوانه زدن فکری تازه به منظور ایجاد اثری دیگر می‌شود (نوری، ۱۳۸۲).

بوذری‌نژاد (۱۳۹۰)، شکل‌گیری یک اثر هنری را این‌گونه شرح داده است: هنرمندی می‌خواهد صورت زیبایی را در جهان خارج خلق کند. آن صورت زیبا به عقل او رفته و پس از آن، صورت زیبایی با جزئیات ترسیم می‌شود. آن‌گاه آن شیء که در خیال او هست، در شیء مادی ترسیم می‌گردد. هنر، ساختن صورت‌های زیبایی است که، در اندیشه و نیروی تخیل هنرمند قرار دارد که به دو طریق روی می‌دهد: ۱- تقلید از طبیعت، ۲- تقلید از باطن و ملکوت طبیعت. در اولی، چیزی که پدید می‌آید، پایین‌تر از صورت اولی است؛ زیرا صورت را از جهانی پایین‌تر اخذ کرده و پس از طی مراحل عقل و تخیل در اثر هنری (ماده)، متجلی می‌کند. از عالمی پست‌تر تقلید کرده و در نهایت زیبایی اثر هنری از زیبایی عقلی و خیالی اندیشه هنرمند پایین‌تر است. چون طبیعت، ظاهر و باطن دارد، اگر هنرمندی باطن را بشناسد و کمال و فضایل طبیعت را مشاهده کند، شیء‌ای که می‌آفریند، اثری و مثالی از آن

1 Ghiselin  
2 Mednick  
3 Taylor

صورت ملکوتی است؛ نه صورتی که در طبیعت وجود دارد و هنرمند با اثر هنری خود، کاستی و زشتی را از چهره طبیعت می‌زداید. پس هنرمند با تقلید از باطن طبیعت، نقص را از چهره طبیعت می‌زداید (بوذری‌نژاد، ۱۳۹۰).

#### ۴-۲- مکاتب فکری آموزش و پرورش

حجت (۱۳۹۳) بیان کرده است که جامعه سنتی آن جامعه‌ای است که در آن، اصول ثابت و پابرجای اعتقادی، اخلاقی و عرفی، حاکم و جاری است. جامعه‌ای سنتی است که وحدت‌طلب و آرمان‌خواه باشد. سید حسین نصر، جامعه سنتی را جامعه‌ای وحیانی و دینی می‌داند و می‌گوید: «هر جا سنت تمام عیاری وجود داشته باشد، لازمه‌اش چهار چیز است که عبارتند از: منبع الهام، یا به تعبیری ملموس‌تر وحی؛ جریانی از تأثیر یا لطف الهی از آن منبع که بی‌وقفه از طریق مجاری مختلفی منتقل می‌شود؛ راه اثبات که هنگامی صادقانه دنبال شود، سوژه انسانی را به مقاماتی پی در پی رهنمون می‌گردد که در آن می‌تواند حقایقی را که از طریق وحی ابلاغ شده است، فعلیت بخشد؛ سرانجام تجسم صوری آن سنت در آموزه‌ها، هنرها، علوم و دیگر عناصر است که روی هم رفته سرشت یک تمدن طبیعی را تعیین می‌کنند». از طرفی، جامعه مدرن، جامعه‌ای است که در آن حکم مدرنیته جاری است. ویژگی مدرن، استقبال از چیزی بدیع به دلیل تازه بودن و جدید بودن آن نیست؛ بلکه با فرض بازاندیشی درباره همه چیز است. از نظر هایدگر، ملاک و مرکز تمامی چیزها در جامعه مدرن، شخص انسان است. شارل بودلر<sup>۱</sup>، مدرن بودن را جنگیدن با تمامی آن چیزی می‌داند که از گذشته در زندگی نو باقی مانده است (حجت، ۱۳۹۳: ۳۷-۴۳). پس می‌توان گفت که دو دسته متفاوت از تفکر یعنی سنت و بداعت می‌تواند بر جامعه حاکم گردد، در ادامه به بررسی مکاتب فکری حاکم بر آموزش و پرورش پرداخته شده است تا مشخص گردد که در ایران چه مکتب فکری بر آموزش حاکم است و این مکتب فکری در جهت جامعه سنتی است یا جامعه مدرن. آرمان‌گرایی<sup>۲</sup>، واقع‌گرایی<sup>۳</sup>، طبیعت‌گرایی<sup>۴</sup>، عمل‌گرایی<sup>۵</sup>، پیشرفت‌گرایی<sup>۶</sup> و وجودگرایی<sup>۷</sup>، مکاتب فلسفی آموزش و پرورش می‌باشند. در جدول شماره یک، خلاصه‌ای از اهداف و برنامه درسی این مکاتب فلسفی ارائه شده است.

جدول ۱: اهداف و برنامه درسی مکاتب فکری آموزش و پرورش (منبع: نگارندگان)

مکتب فکری	اهداف این مکتب فکری	برنامه درسی این مکتب فکری
آرمان‌گرایی	۱- تحقق بخشیدن استعدادهای بالقوه در طبیعت انسانی. ۲- آشنایی دانش‌آموزان با چکیده سرمایه فرهنگی برای گسترش آن توسط آن‌ها (گوتک، ۱۳۸۹: ۳۷).	ریاضیات و فیزیک، زیست‌شناسی، روان‌شناسی، ادبیات و هنر، دستور زبان و تاریخ (شعاری‌نژاد، ۱۳۸۹: ۴۰۰).
واقع‌گرایی	۱- پرورش قوه عقل از راه مطالعه رشته‌های سازمان‌یافته علم و دانش. ۲- تشویق انسان‌ها به تعریف (تشخص) خویش از طریق صورت‌بندی انتخاب‌های خویش به شیوه‌ای عقلانی و شکوفا ساختن خویش از طریق فعلیت بخشیدن استعدادهای خویش (گوتک، ۱۳۸۹: ۶۵).	ترتیب اولویت دروس: ۱- علوم و ریاضیات، ۲- علوم انسانی و اجتماعی، ۳- ارزش‌ها (مانند هنرهای زیبا و اخلاق) (شعاری‌نژاد، ۱۳۸۶: ۴۰۹).
طبیعت‌گرایی	آماده‌سازی فرد برای سازگاری با اوضاع و شرایط محیط به دلیل انعطاف‌پذیر بودن رفتار انسان (شعاری‌نژاد، ۱۳۸۶: ۴۳۶).	یادگیری از طریق تجربه حسی محیط (گوتک، ۱۳۸۹: ۱۱۲).
عمل‌گرایی	تندرستی، کسب مهارت‌های حرفه‌ای، یادگیری چگونگی صرف اوقات فراغت، توانایی برخورد با مسائل اجتماعی (شعاری‌نژاد، ۱۳۸۶: ۴۴۷).	تعریف گروهی از اهداف اجتماعی، ابزار خلاقیت برای رشد مهارت‌های نو (شعاری‌نژاد، ۱۳۸۶: ۴۴۸).
وجودگرایی	رشد و گسترش آگاهی شخص، ایجاد فرصت برای انتخاب آزاد و اخلاقی، ترغیب خودشناسی و رشد حس مسئولیت فردی (شعاری‌نژاد، ۱۳۸۶: ۵۴۰).	فعال بودن برنامه درسی، آزادی دانش‌آموز برای فعالیت در گروه یا تنها، تأکید بر موضوعات: تاریخ، ادبیات، زبان، ریاضی و علوم و غیره و مطالعات انسان‌گرایانه مانند: تاریخ، هنر، ادبیات، فلسفه و مذهب (شعاری‌نژاد، ۱۳۸۶: ۵۴۰؛ گوتک، ۱۳۸۹: ۱۷۹).

پیشرفت‌گرایی، حاصل از دو مکتب فکری «واقع‌گرایی» و «عمل‌گرایی» است که در واقع، جنبه افراطی عمل‌گرایی آموزش و پرورش می‌باشد که بر مبنای: ۱- آزادی رشد طبیعی (رفتار شاگرد باید به دست خود او و مطابق با نیازهای جامعه باشد نه مطابق با قوانین اختیاری)، ۲- علاقه (۱- تماس مستقیم و غیرمستقیم با جهان و فعالیت‌های آن و استفاده از تجربه به دست آمده و ۲-

1 Charles Pierre Baudelaire  
2 Idealism  
3 Realism  
4 Naturalism  
5 Pragmatism  
6 Progressivism  
7 Existentialism

استفاده از دانش به دست آمده و ایجاد پیوند بین موضوعات و ۳- آگاهی از دستاورد، ۳- راهنما بودن معلم نه کارفرما بودن وی، ۴- مطالعه علمی رشد شاگرد (پرونده‌هایی شامل گزارش‌های عینی و ذهنی از ویژگی‌های جسمی، عقلانی و فکری و اجتماعی شاگرد)، ۵- توجه به هر آن چیزی که بر رشد جسمانی کودک، تأثیرگذار است (تندرستی، نخستین هدف دوره کودکی)، ۶- همکاری خانه و مدرسه برای برآورده‌ساختن نیازهای زندگی کودک و ۷- مدرسه پیش‌رو (مدرسه، آزمایشگاهی برای تشویق افکار ارزشمند باشد) می‌باشد. «تجربه» و «آزمایش» در این مکتب فکری، دو اصل کلیدی تعلیم و تعلم می‌باشد. بانو مونته سوری در این زمینه فعالیت‌هایی انجام داده است و روش تربیتی خویش را مرکب از: ۱- مشاهده، ۲- آزمایش و ۳- تجزیه و تحلیل، دانسته که ملقب به «روش علمی» است (شعاری‌نژاد، ۱۳۸۶: ۴۸۱-۴۸۷). مونته سوری در کتاب «راز کودکی» نوشته است که: «بنابراین برای ما روشن می‌شود که رشد جسمی، تصادفی و اتفاقی صورت نمی‌گیرد و با محرک‌های جهان خارج ایجاد نمی‌شود. این امر از طریق حساسیت‌های زودگذر، محرک‌های مربوط به اکتساب مشخصات و خصوصیات مشخص تحت تأثیر قرار می‌گیرد» (صمدی، ۱۳۹۳: ۱۶۴).

#### ۴-۳- آموزش در ایران

حجت (۱۳۹۳) بیان کرده است که عمل، تمرین مداوم و منظم حرفه‌ای و انجام کار دستی (عملی) به وسیله مواد لازم منطبق با طرح‌ها و نقشه‌ها است و نظر، توانایی شرح و بسط دادن اصول، تناسبات، اندازه‌ها در دستاوردها و محصولات بارز می‌باشد و تنها اشخاصی موفق هستند که هم دارای توانایی نظری و هم دارای توانایی عملی باشند (حجت، ۱۳۹۳: ۱۱۵). در کشور ایران، آموزش در مهدکودک‌ها، مدارس ابتدایی، مدارس مقطع متوسطه اول و دوم و دانشگاه‌ها انجام می‌پذیرد. برنامه مهد کودک‌ها با یکدیگر متفاوت است، اما تقریباً همگی بازی محور و بر پایه خلاقیت و آزمایش توسط خود کودکان انجام می‌گردد. جدول شماره دو، برنامه درسی مهد کودک و پیش‌دبستانی و مقطع ابتدایی در ایران را نشان می‌دهد.

**جدول ۲: برنامه درسی مهد کودک و پیش‌دبستانی و مقطع ابتدایی (پرتال اینترنتی کودک من، دسترسی در ۸ آذر ماه ۱۳۹۸؛ زبانی، ارتباط شخصی، ۱۱ آذرماه، ۱۳۹۸؛ پرتال اینترنتی گروه آموزشی مقطع ابتدایی منطقه هیر، دسترسی در ۱۱ آذر ماه ۱۳۹۸)**

مقطع آموزشی	برنامه درسی	
مهد کودک و پیش‌دبستانی	ورزش صبحگاهی، خواندن شعرهای فارسی و لاتین، مهارت‌های زندگی، تغذیه، مفاهیم علوم (شامل: گیاه، جانور و انسان‌شناسی)، خلاقیت، موسیقی، قصه‌گویی، زبان، آشنایی با مشاغل، کنفرانس و آزمایش‌ها، کار با سفال، ژیمناستیک، کلاژ، اسکیت، باله، اسباب بازی و غیره.	
ابتدایی	اول	قرآن، فارسی (خواندن و درک مطلب)، هنر (نقاشی، خطاطی و کاردستی)، علوم تجربی و بهداشت، ریاضی، ورزش
	دوم	قرآن، هدیه‌های آسمانی، انشاء فارسی، املاء، فارسی (خواندن و درک مطلب)، هنر (نقاشی، خطاطی و کاردستی)، علوم تجربی و بهداشت، ریاضی، ورزش
	سوم	قرآن، هدیه‌های آسمانی، انشاء فارسی، املاء، فارسی (خواندن و درک مطلب)، مطالعات اجتماعی، هنر (نقاشی، خطاطی و کاردستی)، علوم تجربی و بهداشت، ریاضی، ورزش
	چهارم	قرآن، هدیه‌های آسمانی، انشاء فارسی، املاء، فارسی (خواندن و درک مطلب)، مطالعات اجتماعی، هنر (نقاشی، خطاطی و کاردستی)، علوم تجربی و بهداشت، ریاضی، ورزش
	پنجم	قرآن، هدیه‌های آسمانی، انشاء فارسی، املاء، فارسی (خواندن و درک مطلب)، مطالعات اجتماعی، هنر (نقاشی، خطاطی و کاردستی)، علوم تجربی و بهداشت، ریاضی، ورزش
	ششم	قرآن، هدیه‌های آسمانی، انشاء فارسی، املاء، فارسی (خواندن و درک مطلب)، مطالعات اجتماعی، هنر (نقاشی، خطاطی و کاردستی)، علوم تجربی و بهداشت، ریاضی، ورزش، تفکر و پژوهش، کار و فناوری

در جدول سه، برنامه درسی مقطع متوسطه اول مشخص است. برنامه درسی مقطع هفتم و هشتم مشابه است و در مقطع نهم، دانش‌آموزان به جای درس تفکر و سبک زندگی، درس آمادگی دفاعی را فرا می‌گیرند.

جدول ۳: برنامه درسی مقطع متوسطه اول (وب سایت اینترنتی دایا افزار، دسترسی در ۸ آذر ماه ۱۳۹۸)

مقطع متوسطه اول	برنامه درسی
هفتم	قرآن، معارف اسلامی، زبان و ادبیات فارسی، عربی، زبان خارجه، علوم تجربی، ریاضی، تربیت بدنی و سلامت، مطالعات اجتماعی، فرهنگ و هنر، کار و فناوری، تفکر و سبک زندگی
هشتم	قرآن، معارف اسلامی، زبان و ادبیات فارسی، عربی، زبان خارجه، علوم تجربی، ریاضی، تربیت بدنی و سلامت، مطالعات اجتماعی، فرهنگ و هنر، کار و فناوری، تفکر و سبک زندگی
نهم	قرآن، معارف اسلامی، زبان و ادبیات فارسی، عربی، زبان خارجه، علوم تجربی، ریاضی، تربیت بدنی و سلامت، مطالعات اجتماعی، فرهنگ و هنر، کار و فناوری، آمادگی دفاعی

برنامه درسی مقطع متوسطه دوم در جدول چهار مشخص است که شامل مقاطع دهم، یازدهم و دوازدهم در رشته‌های تحصیلی ریاضی، تجربی، انسانی، معارف و فنی و حرفه‌ای و کاردانش، می‌باشد.

جدول ۴: برنامه درسی مقطع متوسطه دوم (سیوکی، ۱۳۹۴)

مقطع متوسطه دوم		برنامه درسی	مقطع متوسطه دوم	برنامه درسی	
دهم	ریاضی	تعلیمات دینی، عربی، زبان قرآن، فارسی، نگارش، زبان خارجی، جغرافیای عمومی و استان‌شناسی، تربیت بدنی، آمادگی دفاعی، درس انتخابی، ریاضی، هندسه، فیزیک، شیمی، آزمایشگاه علوم تجربی	دوازدهم	ریاضی	تعلیمات دینی، عربی، زبان قرآن، فارسی، نگارش، زبان خارجی، علوم اجتماعی، تربیت بدنی، سلامت و بهداشت، مدیریت خانواده و سبک زندگی، حسابان، هندسه، ریاضیات گسسته، فیزیک، شیمی
	تجربی	تعلیمات دینی، عربی، زبان قرآن، فارسی، نگارش، زبان خارجی، جغرافیای عمومی و استان‌شناسی، تربیت بدنی، آمادگی دفاعی، درس انتخابی، ریاضی، فیزیک، شیمی، زیست‌شناسی، آزمایشگاه علوم تجربی		تجربی	تعلیمات دینی، عربی، زبان قرآن، فارسی، نگارش، زبان خارجی، علوم اجتماعی، تربیت بدنی، سلامت و بهداشت، مدیریت خانواده و سبک زندگی، ریاضی، فیزیک، شیمی، زیست‌شناسی
	انسانی	تعلیمات دینی، عربی، زبان قرآن، فارسی، نگارش، علوم و فنون ادبی، زبان خارجی، ریاضی و آمار، تربیت بدنی، آمادگی دفاعی، درس انتخابی، تاریخ، جامعه‌شناسی، جغرافیای عمومی و استان‌شناسی، منطق		انسانی	تعلیمات دینی، عربی، زبان قرآن، فارسی، نگارش، علوم و فنون ادبی، زبان خارجی، ریاضی و آمار، تربیت بدنی، آمادگی دفاعی، درس انتخابی، تاریخ، جامعه‌شناسی، جغرافیای عمومی و استان‌شناسی، منطق
	معارف	علوم و معارف قرآنی، اصول عقاید، احکام، اخلاق، عربی، فارسی، نگارش، علوم و فنون ادبی، زبان خارجی، ریاضی و آمار، تربیت بدنی، سلامت و بهداشت، مدیریت خانواده و سبک زندگی، تاریخ، جریانشناسی اندیشه‌های معاصر، فلسفه		معارف	علوم و معارف قرآنی، اصول عقاید، احکام، اخلاق، عربی، فارسی، نگارش، علوم و فنون ادبی، زبان خارجی، ریاضی و آمار، تربیت بدنی، سلامت و بهداشت، مدیریت خانواده و سبک زندگی، تاریخ، جریانشناسی اندیشه‌های معاصر، فلسفه
	فنی حرفه‌ای و کاردانش	تعلیمات دینی، عربی، زبان قرآن، فارسی، زبان خارجی، جغرافیای عمومی و استان‌شناسی، تربیت بدنی، الزامات محیط کار، درس پایه، کارگاه (۱۶ واحد)، دانش فنی پایه، درس مشترک گروه		فنی حرفه‌ای و کاردانش	تعلیمات دینی، عربی، زبان قرآن، فارسی، زبان خارجی، جغرافیای عمومی و استان‌شناسی، تربیت بدنی، الزامات محیط کار، درس پایه، کارگاه (۱۶ واحد)، دانش فنی پایه، درس مشترک گروه
	مقطع متوسطه دوم			برنامه درسی	مقطع متوسطه دوم
یازدهم	ریاضی	تعلیمات دینی، عربی، زبان قرآن، فارسی، نگارش، زبان خارجی، تاریخ معاصر، تربیت بدنی، انسان و محیط زیست، درس انتخابی، حسابان، هندسه، آمار و احتمال، فیزیک، شیمی، آزمایشگاه علوم تجربی، زمین‌شناسی	یازدهم	ریاضی	تعلیمات دینی، عربی، زبان قرآن، فارسی، نگارش، زبان خارجی، تاریخ معاصر، تربیت بدنی، انسان و محیط زیست، درس انتخابی، ریاضی، فیزیک، شیمی، زیست‌شناسی، آزمایشگاه علوم تجربی، زمین‌شناسی
	تجربی	تعلیمات دینی، عربی، زبان قرآن، فارسی، نگارش، زبان خارجی، علوم و فنون ادبی، زبان خارجی، ریاضی و آمار، تربیت بدنی، انسان و محیط زیست، درس انتخابی، تاریخ، جامعه‌شناسی، جغرافیای عمومی و استان‌شناسی، فلسفه		تجربی	تعلیمات دینی، عربی، زبان قرآن، فارسی، نگارش، زبان خارجی، علوم و فنون ادبی، زبان خارجی، ریاضی و آمار، تربیت بدنی، انسان و محیط زیست، درس انتخابی، تاریخ، جامعه‌شناسی، جغرافیای عمومی و استان‌شناسی، فلسفه
	انسانی	علوم و معارف قرآنی، اصول عقاید، احکام، اخلاق، عربی، فارسی، نگارش، علوم و فنون ادبی، زبان خارجی، ریاضی و آمار، تربیت بدنی، انسان و محیط زیست، درس انتخابی، تاریخ، جامعه‌شناسی، جغرافیای عمومی و استان‌شناسی، منطق		انسانی	علوم و معارف قرآنی، اصول عقاید، احکام، اخلاق، عربی، فارسی، نگارش، علوم و فنون ادبی، زبان خارجی، ریاضی و آمار، تربیت بدنی، انسان و محیط زیست، درس انتخابی، تاریخ، جامعه‌شناسی، جغرافیای عمومی و استان‌شناسی، منطق
	معارف	تعلیمات دینی، عربی، زبان قرآن، فارسی، زبان خارجی، علوم اجتماعی، تربیت بدنی، انسان و محیط زیست، کارگاه نوآوری و کارآفرینی، کاربرد فناوری‌های نوین / مدیریت تولید، درس پایه، کارگاه (۱۶ واحد)		معارف	تعلیمات دینی، عربی، زبان قرآن، فارسی، زبان خارجی، علوم اجتماعی، تربیت بدنی، انسان و محیط زیست، کارگاه نوآوری و کارآفرینی، کاربرد فناوری‌های نوین / مدیریت تولید، درس پایه، کارگاه (۱۶ واحد)
	فنی حرفه‌ای و کاردانش	تعلیمات دینی، عربی، زبان قرآن، فارسی، زبان خارجی، علوم اجتماعی، تربیت بدنی، انسان و محیط زیست، کارگاه نوآوری و کارآفرینی، کاربرد فناوری‌های نوین / مدیریت تولید، درس پایه، کارگاه (۱۶ واحد)		فنی حرفه‌ای و کاردانش	تعلیمات دینی، عربی، زبان قرآن، فارسی، زبان خارجی، علوم اجتماعی، تربیت بدنی، انسان و محیط زیست، کارگاه نوآوری و کارآفرینی، کاربرد فناوری‌های نوین / مدیریت تولید، درس پایه، کارگاه (۱۶ واحد)
	مقطع متوسطه دوم			برنامه درسی	مقطع متوسطه دوم

متطابق با سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، وزارت آموزش و پرورش مهم‌ترین نهاد تعلیم و تربیت رسمی عمومی، متولی فرآیند تعلیم و تربیت در همه ساحت‌های تعلیم و تربیت، قوام‌بخش فرهنگ عمومی و تعالی‌بخش جامعه اسلامی بر اساس نظام معیار اسلامی، با مشارکت خانواده، نهادها و سازمان‌های دولتی و غیردولتی می‌باشد و تحقق ارزش‌ها، اهداف، آرمان‌های متعالی انقلاب اسلامی مستلزم تلاش همه جانبه در تمام ابعاد فرهنگی، علمی، اجتماعی و اقتصادی است. در تهیه سند ملی تحول بنیادین



آموزش و پرورش تلاش شده تا با الهام‌گیری از اسناد بالادستی و بهره‌گیری از ارزش‌های بنیادین آن‌ها و توجه به اهداف راهبردی نظام جمهوری اسلامی ایران، چشم‌انداز و اهداف تعلیم و تربیت در ۱۴۰۴ هجری شمسی تبیین شود (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش)، بنابراین می‌توان بیان کرد که مکتب فکری حاکم بر برنامه درسی مدارس در ایران معاصر، آرمان‌گرایی است و با توجه به احترام به سنت‌ها در این جامعه، ایران جامعه‌ای سنتی است نه مدرن.

پلاتو<sup>۱</sup> (۲۰۰۱) بیان کرده است که افلاطون (آرمان‌گرا)، اولین فردی است که به بررسی مفهوم عدالت و نسبت آن با تربیت پرداخته است. کتاب جمهوری وی، اولین کتابی است که در آن از نقش نهادهای آموزشی برای برپا ساختن یک جامعه آرمانی با هدف تأمین سعادت فرد و جمع سخن گفته شده است. مطابق با نظر افلاطون، فرد باید پنجاه سال آموزش ببیند تا به مقام شایسته دانایی و زمامداری نائل گردد. عدالت برای افلاطون فردی نیست، بلکه به چگونگی حیات جامعه وابسته است (صفارحیدری و حسین‌نژاد، ۱۳۹۳).

#### ۴-۳-۱- آموزش در ایران و ارتباط آن با خلاقیت دانشجویان معماری

افرادی که دارای نیم‌کره فعال راست مغز هستند، دارای قدرت تخیل و خلاقیت و علاقه‌مند به کشف هستند، اما این موضوع در افراد با نیم‌کره فعال چپ مغز دیده نمی‌شود. به منظور تقویت نیم‌کره راست مغز، باید به موسیقی گوش فرا داد، نقاشی کرد و شعر خواند. رؤیاپردازی کرد و تصویر آرزوهای را دید. طراحی آموخت و رمان خواند، مشاعره کرد و بیش‌تر از گوش دادن، مشاهده کرد. آشنایی کرد و تلویزیون دید و بازی‌های خلاقانه‌ای مانند خط و نقطه انجام داد (قهرمانی دهبکری، ۱۳۹۷: ۱۲۸-۱۳۲). آموزش و پرورش هر جامعه دارای کارکردهای متفاوت است که یکی از این کارکردها پرورش افراد متفکر و خلاق است (مه‌دیزاده ب، ۱۳۸۸). این نهاد نگرش‌ساز، آموزش رسمی هنر و پرورش هنرمندان آینده ایران را عهده‌دار است. آموزش و پرورش، بیش‌ترین نقش را در راه توسعه هنر، به منظور به فعلیت رساندن نوع هنرآموزان و تجهیز آن‌ها به اصول اولیه هنر، دارد تا سبب ایجاد آثار نوآور و نوگرا گردد، اما نبود هدف معین برای آموزش هنر در مدرسه‌ها، تأکید بر مهارت و فن، بی‌توجهی به اصول هنر گذشته ایران و بدفهمی‌ها و کج‌فهمی‌های بنیادی نسبت به ماهیت هنر و نگرش به هنر به مثابه سرگرمی و نه حوزه‌ای جهت‌گسترش و توسعه تفکر، دلایل اصلی ناکارآمدی آموزش هنر در مدرسه‌ها می‌باشد. باید دانست که هنر تنها مرتبط به احساسات نیست، بلکه دارای هم‌سنگ با دیگر حوزه‌های علمی دارد و ضروری است تا جایگاهی مستقل در آموزش داشته باشد (مه‌دیزاده الف، ۱۳۸۸).

اگر اجازه دهیم که کودکان با معیارهای کاملاً معین و با آزادی کامل با مواد اولیه هنری کار نمایند، از ذهنی فعال برخوردار خواهند شد که قادر است مشکلات را حل نماید (استرایکر و وارنر، ۱۳۹۷: ۹). متخصصان آموزش تفکر بیان کرده‌اند که زمینه و محیطی که تفکر در آن تدریس می‌گردد، در رشد و تحول فکری دانش‌آموزان مؤثر هستند (شهبازی و ربیعی، ۱۳۹۱: ۴۵). وجود فضاهایی برای قصه‌گویی، موسیقی و رقص، نویسندگی و نقاشی، کاردستی، پیکره‌سازی و سفال‌گری، بازی، آشنایی، فضاهای کار گروهی و سخنرانی، اجرای نمایش و تئاتر و فضاهای تشویق‌کننده به فعالیت‌های جمعی، از جمله عملکردهایی هستند که در صورت توجه و اختصاص فضا به آن‌ها در فضاهای آموزشی، خلاقیت کودکان را ارتقاء می‌دهند (امابلی، ۱۳۸۸: ۴۵-۴۷) و (خدایی‌فرد، اسدپور و طبیب‌زاده، ۱۳۹۸). کاوش کردن، آزمون، تمرکز طولانی مدت بر روی یک تکلیف، آموختن با تکرار چیزی جدید، معنا بخشیدن به چیزها از طریق زبان و بازی و نظم دادن به آشفستگی و کار تازه کردن با پدیده آشنا و قدیمی، سبب خلاقیت کودکان می‌گردد (دافی، ۱۳۹۵: ۴۲). ارزیابی، ارائه پاداش، وجود رقابت و محدود نمودن انتخاب روش‌های یادگیری توسط دانش‌آموزان، سبب کشتن خلاقیت آن‌ها می‌گردد (امابلی، ۱۳۸۸: ۸۶-۹۲). شناخت‌گرایان اعتقاد دارند که آموزش خلاقیت هنگامی تحقق می‌یابد که معلم به دانش‌آموز کمک نماید تا در یادگیری مطلب جدید، تجربه‌هایی را که قبلاً آموخته است، به موضوعی جدید تبدیل نماید (شهبازی و ربیعی، ۱۳۹۱: ۳۳). اگر آزادی، علاقه، کنجکاوی و حس ماجراجویی که بچه‌ها در برخورد با هنر دارند، از بین برود، دیگر به آسانی به دست نمی‌آید. کودکانی که از ابتدا هنر را به صورت یک اثر کپی‌برداری شده می‌بینند، کم‌تر قادر خواهند بود روحیه خلاق را که برای آفرینش آثار هنری نو و عالی و تفکری مستقل احتیاج است، به دست آورند (استرایکر و وارنر، ۱۳۹۷: ۱۲).

جان دیویی (یکی از فلاسفه مکتب عمل‌گرایی یا پراگماتیست) است که معتقد است تفکر اصیل زمانی تحقق می‌یابد که شخص با مشکلات روبه‌رو گردد و بر مبنای یک روش علمی به حل آن‌ها بپردازد. روش مشکل‌گشایی دیویی یا «عمل کامل تفکر» شامل پنج مرحله اصلی است که عبارتند از: ۱- موقعیت ابهام‌آمیز<sup>۲</sup> که شخص در آن گرفتار است. ۲- حصر و تعریف مسئله<sup>۳</sup> که شخص موقعیت را تحلیل کرده و آن عاملی را که مانع تداوم فعالیتش است را شناسایی می‌نماید. ۳- روشن ساختن مسئله<sup>۴</sup> که

1 Plato  
2 The problematic situation  
3 Defining the problem  
4 Clarification of the problem

نیازمند بررسی دقیق و ریزبینانه و موشکافانه است تا شخص، افکار، مواد و ابزارهایی را که ممکن است در حل مشکل اش به کارش آیند، کشف نماید. ۴- ایجاد فرضیه‌های موقت<sup>۱</sup> که با کمک آن‌ها، شخص عباراتی مانند «اگر چنین است... پس چنان است» را به عنوان ابزارهای ممکن برای حل مشکل خویش، تشکیل می‌دهد. ۵- مرحله آزمایش کردن فرضیه<sup>۲</sup> است. در این مرحله، شخص از طریق عمل کردن فرضیه مسئله خودش را حل می‌کند تا پیامدی حاصل گردد (گوتک، ۱۳۸۹: ۱۳۴-۱۳۵). با توجه به این توضیحات، جدول شماره پنج، مقایسه بین عقاید جان دیویی (یکی از فلاسفه مکتب عمل‌گرایی یا پراگماتیست) و آرمان‌گرایان را نشان می‌دهد.

جدول ۵: مقایسه بین معیارهای آموزش در مکتب آرمان‌گرایی و عمل‌گرایی (منبع: نگارندگان برگرفته از گوتک، ۱۳۸۹: ۳۷-۴۲ و ۱۴۱-۱۴۸؛ شعاری‌نژاد، ۱۳۸۶: ۳۹۳-۳۹۸ و ۴۶۸-۴۶۹)

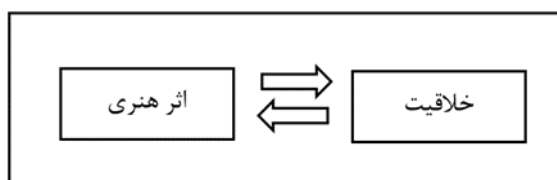
عمل‌گرایی	آرمان‌گرایی
مدرسه محیطی تخصصی می‌باشد که با هدف مشارکت فرهنگی عامدانه نسل جوان تأسیس شده است.	مدرسه دستاوردهای هر نسلی را به نسل بعد از آن انتقال داده و تمدن، حقیقت و معرفت را در دانش‌آموزان نهادینه می‌نماید.
کنش‌های سه گانه مدرسه عبارتند از: ساده کردن (عوامل و دست‌اندرکاران مدرسه، عناصری از میراث فرهنگی را برگزیده‌اند و پیچیدگی آن‌ها را متناسب با سن دانش‌آموزان کاهش داده‌اند)، پالوده کردن (مدرسه، تنها عناصری از میراث فرهنگی را انتخاب می‌کند که رشد فرد را ارتقاء می‌دهد) و متعادل نمودن میراث فرهنگی (جامعه دموکراتیک، جامعه‌ای متعادل و یکپارچه است که بر تفاهم دو سویه استوار می‌باشد و تجربه جمعی، کوششی مشترک است که همه افراد می‌توانند در تجارب یکدیگر سهیم باشند. با این حال، چنین جامعه‌ای مبتنی بر هم‌رنگی نیست و جامعه دموکراتیک، در چهارچوبی از علایق مشترک، به کثرت‌گرایی و تنوع فرهنگی احترام می‌گذارد.	موضوعات درسی در مراحل متوالی، انتخاب شده و تدریس می‌گردند که با رشد فرد در مراحل تحصیلی بالاتر، پیچیدگی این موضوعات درسی افزوده شده و معرفتی که در سطح بالاتر فرا گرفته می‌شود، بر معرفت قبلی محصلان می‌افزاید.
مدرسه و کلاس درس به مثابه جامعه‌ای هسته‌ای است که متعلمان در کنار هم به حل مسائلی می‌پردازند که همگی در آن سهیم هستند. از راه گفت و گو درباره اهداف و آرمان‌ها، دانش‌آموزان وضعیت خویش را از اشخاصی جدا کرده و به گروهی که هم‌فکر آن‌ها هستند، می‌پیوندند.	روش خاص واحدی برای کلاس درس آرمان‌گرایی مشخص نیست، اما روش سقراطی که روش گفت و شنود است، مناسب است. معلم باید سوالاتی را مطرح نماید تا آگاهی متعلم را نسبت به افکار خود، تحریک نماید و به فرآیند بحث گروهی اهتمام بورزد، اما گفت و شنود نباید به انبوهی از عقاید کورکورانه و ناآگاهانه تبدیل شود.
نقطه آغاز هر فعالیتی، نیازی است که متعلم حس می‌کند. این علاقه ذاتی که با نیازی حقیقی در ارتباط است، او را به انجام تلاش لازم برای ارضای نیاز و حل مسئله، ترغیب می‌نماید.	آموزش و پرورش شخص به معنای نفوذ انسان روی انسان است که در تلاش است تا فرد را به «خودشکوفایی» به کمک رهبری او برساند.
معلم تکیه‌گاه دانش‌آموز است که یادگیری وی را هدایت می‌نماید. معلم باید با مهارت خویش، پیامدهای کار دانش‌آموزان را بسنجد تا آن‌ها دچار خطر نشوند، اما باید به آنان اجازه دهد تا مرتکب خطا شده و پیامدهای کار خویش را تجربه نمایند.	معلم باید از لحاظ عقلی و همچنین اخلاقی از محصلان برتر باشد. معلم باید دست محصل را گرفته و او را به درجات کمال برساند. معلم به مثابه باغبانی است که باید گل‌های یک گلستان (مدرسه) را پرورش دهد. معلم، محصلان را به تقلید از اشخاص بزرگ ترغیب می‌نماید.
یادگیری در مدرسه، زندگی است، نه آماده شدن برای زندگی	مدرسه از طریق انتقال عامدانه میراث فرهنگی به شکل برنامه‌ای منظم، متوالی و متراکم، محصلان را برای آینده آماده می‌کند.
هدف آموزش و پرورش، گسترش انتقادی اندیشیدن است، نه آموختن نقطه نظری خاص.	هدف آموزش و پرورش، کمک نمودن به رشد و تکامل ذهن و «خود» دانش‌آموزان است و تربیت انسان «خوب» بودن بر انسان «با معلومات» بودن ارجحیت دارد.

## ۵- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با توجه به این موضوع که هنر، مقوله‌ای غیرقابل تعریف و وابسته به مؤلفه خلاقیت است، باید گفت به دلیل اینکه خلاقیت قابل پرورش و رشد است، هنر نیز، دارای چنین ویژگی‌ای نیز هست. در واقع تمامی ویژگی‌های خلاقیت شامل: قابل پرورش بودن، وابسته به تفکر و شخصی بودن و از همه مهم‌تر، ارائه‌دهنده کیفیاتی تازه از معانی و مفاهیم، در هنر نیز هست. می‌دانیم که هنر از طریق موسیقی، معماری، هنرهای دستی (مجسمه‌سازی، شیشه‌گری و غیره)، هنرهای ترسیمی (نقاشی، خطاطی و غیره)، ادبیات (شعر و داستان، فیلم‌نامه و غیره)، رقص و هنرهای نمایشی (سینما و تئاتر و غیره)، در قالب یک اثر هنری ارائه می‌شود. لذا می‌توان گفت که این یک فرآیند یا سیکل در حال تکرار است. نمودار زیر، این رابطه دو سویه را نشان می‌دهد.

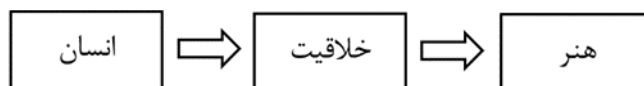
1 Constructing tentative hypotheses  
2 Testing the hypothesis





نمودار ۱: رابطه دو سویه خلاقیت و اثر هنری (منبع: نگارندگان)

با این توضیح می‌توان گفت که هر عاملی که سبب کشته شدن خلاقیت فرد یا کند شدن فرآیند تفکر خلاق شود، در واقع از جمله عواملی است که بازدارنده بروز هنر و به تبع آن بازدارنده خلق یک اثر هنری می‌شود و هر عاملی که زمینه‌ساز رشد خلاقیت گردد، امکان ایجاد خلق یک اثر هنری را ارتقاء می‌دهد.



نمودار ۲: رابطه بین انسان، خلاقیت و هنر (منبع: نگارندگان)

یکی از بسترهایی که می‌تواند زمینه‌ساز تربیت افراد خلاق و به تعبیری، تربیت هنرمندان شود، مدرسه است. جدول شماره شش، بررسی واحدهای درسی مرتبط با پرورش خلاقیت و هنر دانش‌آموزان در تمامی مقاطع تحصیلی را نشان می‌دهد.

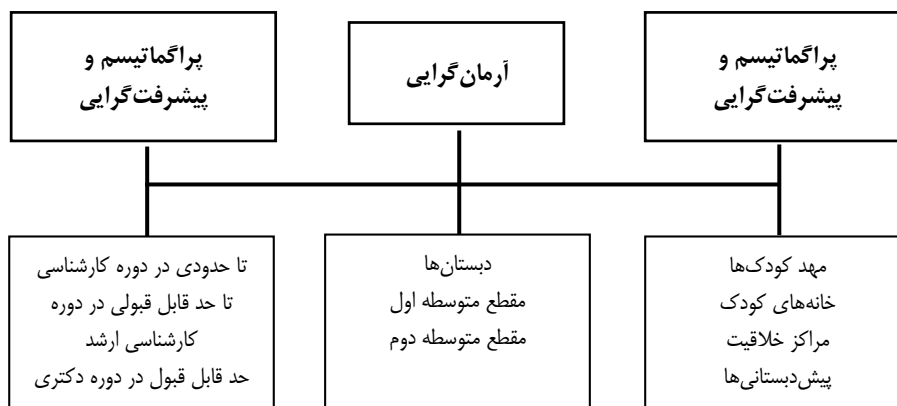
جدول ۶: بررسی واحدهای درسی مرتبط با پرورش خلاقیت و هنر دانش‌آموزان در تمامی مقاطع تحصیلی (منبع: نگارندگان)

واحدهای درسی						مقطع تحصیلی
ورزش	فرهنگ و هنر	هنر (نقاشی - خطاطی - کاردستی)	انشاء	ادبیات	هنر به عنوان درس انتخابی از میان چند درس	
√	-	√	√	√	-	ابتدایی
√	√	-	-	√	-	هفتم
√	√	-	-	√	-	هشتم
√	√	-	-	√	-	نهم
√	-	-	√	√	√	ریاضی
√	-	-	√	√	√	تجربی
√	-	-	√	√	√	انسانی
√	-	-	√	√	√	معارف
√	-	-	-	√	-	فنی حرفه‌ای و کاردانش
√	-	-	√	√	√	ریاضی
√	-	-	√	√	√	تجربی
√	-	-	√	√	√	انسانی
√	-	-	√	√	√	معارف
√	-	-	-	√	√	فنی حرفه‌ای و کاردانش
√	-	-	√	√	-	ریاضی
√	-	-	√	√	-	تجربی
√	-	-	√	√	-	انسانی
√	-	-	√	√	-	معارف
√	-	-	-	√	-	فنی حرفه‌ای و کاردانش

آن‌طور که مشخص است کودکان پس از آموزش در مهد کودک‌ها و پیش‌دبستانی‌هایی که عموماً با محور بازی و آموزش از طریق هنر (ساخت با مواد شکل‌پذیر، بازی، مشارکت، آشپزی و غیره) می‌گذرد، وارد دوره ابتدایی می‌شوند. در این دوره، دروس ادبیات، انشاء، هنر و خوشنویسی و ورزش از جمله دروسی هستند که می‌توانند خلاقیت کودک را پرورش دهند. در دوره متوسطه اول، دروس ادبیات، فرهنگ و هنر و ورزش و در مقطع دهم و یازدهم دوره متوسطه دوم، ادبیات و انشاء و ورزش از جمله واحدهای درسی مرتبط با پرورش خلاقیت و هنر دانش‌آموزان است (البته این دروس برای رشته فنی حرفه‌ای و کاردانش کمی متفاوت است). در مقطع دهم و یازدهم، درسی به نام درس انتخابی در نظر گرفته شده است. این درس بنا بر انتخاب مسئولان هر مدرسه می‌تواند یکی از دروس هنر، تفکر و سواد رسانه‌ای و کارگاه کارآفرینی و تولید و غیره باشد. توجه به این نکته، مهم است که هنر به عنوان یکی از دروس انتخابی در این دو مقطع تحصیلی در نظر گرفته می‌شود که معمولاً نیز انتخاب نمی‌گردد. در پایه دوازدهم نیز، دروس ادبیات، انشاء و ورزش (درس انشاء برای رشته فنی حرفه‌ای و کاردانش در نظر گرفته نشده است) مد نظر قرار گرفته‌اند. با این تفاسیر می‌توان گفت که تربیت و پرورش هنرمند در نظام آموزش و پرورش که می‌تواند از سال‌های کودکی و نوجوانی یعنی بهترین زمان برای پرورش خلاقیت آغاز شود؛ با رشد فرد رو به افول می‌رود. فردی که در رشته‌های نظری، معارف، کاردانش و فنی حرفه‌ای تحصیل می‌نماید، اگر در اوقات فراغت خویش در کلاس‌های خلاقیتی و هنری شرکت نماید، می‌تواند تفکر خلاق خویش را پرورش داده و به یک هنرمند تبدیل گردد. با این وجود، اشخاصی که در ادامه مسیر زندگی خویش تصمیم به هنرمند شدن می‌گیرند و رشته دانشگاه خود را در زمینه هنری انتخاب می‌نمایند، لزوماً ناموفق نخواهند بود؛ زیرا انسان از اراده در کنار تفکر بهره‌مند است و با اراده خویش می‌تواند بسیاری از مرزها را در هم بشکند و حتی به یک شاعر (شخصی که در زمینه تخصصی خود به اوج رسیده و به صورت یک الگو برای سایرین درمی‌آید)، بدل شود. اما به صراحت می‌توان بیان کرد که فردی که از ابتدا با زمینه‌های تفکر خلاق رشد یافته، قطعاً زمینه هنرمند شدنش بسیار بیش‌تر از سایرین است؛ مانند بذر گیاهی که کاشته شود، هر روز آبیاری شود و خاک و نورش به صورت مرتب تأمین شود. قطعاً انتظار محصول از این زمین بسیار بیش‌تر از زمینی است که پس از کاشتن بذر، به صورت مداوم مراقبت و نگهداری نمی‌گردد.

گفتنی است که سند تحول بنیادین آموزش و پرورش که در سال ۱۳۹۰ به تصویب و در سال ۱۳۹۲ ابلاغ و به اجرا در آمد، بر مبنای به تحقق در آمدن اهداف، آرمان‌ها و ایده‌های انقلاب اسلامی شکل گرفته است که سمت و سویی با رویکرد ایده‌آلیسم و برتری تفکر بر تجربه و ماده دارد؛ اما به منظور تربیت آینده‌سازان این مرز و بوم و آشتی آن‌ها با تفکر خلاق و هنر، می‌بایست برنامه‌های درسی مبتنی بر فلسفه تربیتی پیشرفت‌گرایی نیز در این برنامه گنجانده شود. دیدگاه‌های مونتسوری که بر پایه روش تربیتی علمی (۱- مشاهده، ۲- آزمایش و ۳- تجزیه و تحلیل) شکل گرفت، مصداق این رویکرد می‌باشد.

باید متذکر شد که در حال حاضر، این موضوع در مهد کودک‌ها، خانه‌های کودک و پیش‌دبستانی‌ها تا حدی حل شده و امروزه حتی در ایران، مراکز خلاقیت کودکان نیز راه‌اندازی شده است. این بدین معنا است که دست‌اندرکاران این فضاهای آموزشی با هدف پرورش خلاقیت، اهداف ایده‌آلیستی خویش را از طریق آموزش با رویکرد تجربه‌گرایی و پیشرفت‌گرایی (که جنبه افراطی عمل‌گرایی است)، به منصفه ظهور می‌رسانند و از طرفی دیگر، دانش‌آموزی که وارد عرصه دانشگاه شده است، رفته رفته با ادامه تحصیل در دوره کارشناسی ارشد، منطبق با برنامه‌های درسی‌اش به سمت تجربه‌گرایی و پیشرفت‌گرایی حرکت می‌کند و در دوره دکتری که پژوهش محور است، پیشرفت‌گرایی به اوج خود می‌رسد. آرمان‌گرایان بیش‌تر بر یادگیری دروس نظری که راه‌های اندیشیدن و تفکر را آموزش می‌دهند و همچنین دروس هنری که با احساسات انسان مرتبط هستند، تأکید دارند و آن‌ها برنامه درسی را شامل دروس: ریاضی، فیزیک، زیست، روان‌شناسی، ادبیات و هنر، دستور زبان و تاریخ می‌دانند. این در حالی است که اگر در برنامه درسی دانش‌آموزان، دروس مبنی بر تعاملات اجتماعی و فعالیت‌های دانش‌آموز محور نیز گنجانده شوند، زمینه پرورش خلاقیت نیز افزایش می‌یابد. این دروس می‌توانند با عنوان ترسیم خلاقانه و ساخت کاردستی در مقطع ابتدایی و پژوهش در علم فیزیک یا شیمی و غیره و ساخت ابزار و دستگاه در مقاطع متوسطه در نظر گرفته شوند. گنجاندن این دروس در برنامه درسی سبب می‌شود که دانش‌آموزان بتوانند علاوه بر پرورش تفکر دست به تجزیه و تحلیل و آزمون و خطا زده و قدرت حل مسائل کاربردی را نیز فراگیرند.



نمودار ۳: روند فلسفه حاکم در تدوین برنامه تحصیلی آموزشی ایران (منبع: نگارندگان)

## منابع

۱. آماپلی، ترزا (۱۳۸۸)، شکوفایی خلاقیت کودکان و بزرگسالان (حسن قاسم‌زاده و پروین عظیمی، مترجمان)، تهران: دنیای نو.
۲. ارجمند قجور، کیومرث؛ ارجمندی، بهزاد (۱۳۹۷)، اثربخشی برنامه‌های پرورش خلاقیت در برنامه درسی هنر بر خلاقیت دانش‌آموزان دوره ابتدایی، رویش روان‌شناسی، ۷ (۴) و شماره پیاپی (۲۵)، صص ۶۵-۸۸.
۳. استرایکر، سوزان؛ وارنر، سالی (۱۳۹۷)، کلیدهای پرورش خلاقیت هنری در کودکان و نوجوانان (اکرم قیطاسی، مترجم؛ علی خاکبازان، ویراستار؛ چاپ نهم)، تهران: صابرین (کتاب‌های دانه).
۴. برنامه هفتگی مهد کودک کودک من را در سال تحصیلی ۱۳۹۵ حتماً ببینید (بی‌تا)، <https://kudakeman.com/>، دسترسی در ۸ آذر ماه ۱۳۹۸.
۵. بوذری‌نژاد، یحیی (۱۳۹۰)، تعریف هنر و زیبایی نزد قاضی سعید قمی. فلسفه و کلام، (۱) ۴۴، صص ۲۹-۴۲.
۶. تسلیمی، نصرالله (۱۳۹۰)، هنر؛ پرورش قوه تخیل. رشد آموزش، ۹ (۱)، صص ۱۰-۱۷.
۷. جدول مواد درسی و ساعات تدریس هفتگی دوره دوم متوسطه (بی‌تا)، <http://rrk.ir/Files/Laws/>، دسترسی در ۸ آذر ماه ۱۳۹۸.
۸. چرایین، مسلم؛ دیهیم، جواد (۱۳۹۵)، نقش برنامه‌ریزی آموزشی در تحقق برنامه‌های توسعه ملی با تأکید بر نظام آموزشی. فصلنامه ایده‌های نو در علوم و فناوری، ۱ (۲)، صص ۱-۱۶.
۹. حجت، عیسی (۱۳۹۳). سنت و بدعت در آموزش معماری (چاپ دوم)، تهران: دانشگاه تهران.
۱۰. حسینی، افضل‌السادات (۱۳۹۴)، ماهیت خلاقیت و شیوه‌های خلاقیت آن (علی سالیانی، ویراستار؛ چاپ هفتم)، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
۱۱. خدایی‌فرد، مریم؛ اسدپور، علی؛ طیب‌زاده، کیمیاالسادات (۱۳۹۸)، شناسایی عوامل مؤثر بر خلاقیت کودکان در معماری دبستان، ارائه شده در کنفرانس ملی معماری و شهرسازی معاصر ایران، اهواز: دانشگاه شهید چمران اهواز.
۱۲. دافی، برناردت (۱۳۹۵)، تشویق خلاقیت و تخیل در کودکان (مهشید یاسائی، مترجم؛ چاپ ششم)، تهران: فتنوس.
۱۳. دهقانپور، حمید؛ اسلامی، آمنه (۱۳۸۸)، کودک درون و خلاقیت در هنر. هنرهای زیبا- هنرهای تجسمی، (۴۰)، صص ۵-۱۴.
۱۴. زبانی، مهتاش، ارتباط شخصی در ۱۱ آذر ماه ۱۳۹۸.
۱۵. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۱۶. شهبازی، محمدرضا؛ ربیعی، مهدی (۱۳۹۱)، مبانی پرورش تفکر خلاق در کودکان، تهران: تایماز.
۱۷. صفارحیدری، حجت؛ حسین‌نژاد، رزا (۱۳۹۳)، رویکردهای عدالت آموزشی (نگاهی به جایگاه عدالت آموزشی در سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش ایران). پژوهش‌نامه مبانی تعلیم و تربیت، ۴ (۱)، صص ۴۹-۷۲.
۱۸. صمدی، سیدعلی (۱۳۹۳)، ماریا مونته سوری: نظام نوین تربیتی و آموزشی کودکان (چاپ دوم)، تهران: دانژه.
۱۹. عباسی سیوکی، جلیل (۱۹ خرداد ماه ۱۳۹۴)، جدول مواد درسی پایه هفتم و هشتم و نهم همراه با ساعات تدریس ۱۳۹۴-۹۵، <http://dayasoft.blog.ir/1394/03/>، دسترسی در ۸ آذر ماه ۱۳۹۸.
۲۰. قهرمانی‌دهبکری، کمال (۱۳۹۷)، خلاقیت عامل نهفته موفقیت در قرن ۲۱ (راضیه‌السادات فروزان، ویراستار)، تهران: نسل نواندیش.

۲۱. گروه آموزشی مقطع ابتدایی منطقه هیر (۷ مهر ماه ۱۳۹۷)، <http://hir-sd.blog.ir/1397/07/07>، دسترسی در ۱۱ آذر ماه ۱۳۹۸.
۲۲. گودرزی، ابوالفضل (۱۳۹۲)، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، فلسفه و جایگاه تربیت بدنی. رشد آموزش تربیت بدنی، ۱۳ (۴)، صص ۳۲-۳۴.
۲۳. مهدیزاده، علیرضا (۱۳۸۸ ب)، نقش آموزش و پرورش در توسعه هنر. رشد آموزش، ۷ (۱)، صص ۶-۱۲.
۲۴. مهدیزاده، علیرضا (۱۳۸۸ الف)، نقش آموزش و پرورش در توسعه هنر. کتاب ماه هنر، صص ۱۰۶-۱۱۱.
۲۵. نقی‌زاده، محمد (۱۳۸۲)، هنر؛ مقوم فرهنگ، فرهنگ؛ موجد و هادی هنر. نامه فرهنگ، (۵۰)، صص ۴۸-۶۳.
۲۶. نوری، سیدهادی (۱۳۸۲)، هنر یا خلق زیبایی مدخلی بر چگونگی درک هنر. گزارش، (۱۴۸)، صص ۸۳-۸۵.
۲۷. یکتایی، مجید (۱۳۵۰)، هنر چیست. هنر و مردم، (۱۰۶)، صص ۱۷-۲۰.
28. Chibbaro, J. S., Camacho, H. (2011). Creative Approaches to School Counseling: Using the Visual Expressive Arts as an Intervention. GEORGIA SCHOOL COUNSELORS ASSOCIATION. pp. 41-44.
29. Pellegrini, A.D., Blatchford, P., Kato, K., Baines, Ed. (2004). A short-term longitudinal study of children's playground games in primary school: Implication's for adjustment to school and social adjustment in the USA and the UK. Social Development, 13(1). pp. 107-123. DOI: 10.1111/j.1467-9507.2004.00259.x.
30. Scott, G., Leritz, L.E., Mumford, M.D. (2004). The Effectiveness of Creativity Training: A Quantitative Review. Creativity Research Journal, 16(4). pp. 361-388. DOI: 10.1207/s15326934crj1604\_1.